

Barriers to the Establishment of Rural Micro-Enterprises: A Study of Rural Women in Kermanshah Province

Mozhdeh Ketabi¹, Saeid Karimi², Reza Movahedi^{3*}

¹ Department of Agricultural Extension and Education, Faculty of Agriculture Bu- Ali Sina University, Hamadan, Iran.

² Department of Agricultural Extension and Education, Faculty of Agriculture Bu- Ali Sina University, Hamadan, Iran.

³ Department of Agricultural Extension and Education, Faculty of Agriculture, Bu- Ali Sina University, Hamadan, Iran.

Email: r.movahedi@basu.ac.ir

Article Info

Article type:
Research Full Paper

Article history:

Received: 03.10.2024

Revised: 10.10.2025

Accepted: 29.11.2025

Keywords:

Small Businesses
Rural Women
Businesses Barriers
Empowerment
Entrepreneurship

ABSTRACT

Micro-enterprises provide a significant opportunity for empowering rural women and facilitating their entry into the job market, thereby contributing to household livelihood and poverty reduction within rural areas. For this reason, strengthening small businesses among rural women is of paramount importance as an effective strategy for increasing employment and reducing unemployment. Consequently, the present study was conducted to identify the barriers to micro-enterprises for rural women in Kermanshah Province, using a qualitative approach. Semi-structured interviews served as the data collection tool for this research. Data analysis was performed through qualitative content analysis, based on the textual analysis of interviews with 14 rural women who either currently operate micro-enterprises or are in the process of establishing them. Participants were selected using a snowball sampling method. The results revealed that the main barriers to establishing micro-enterprises for rural women in Kermanshah Province can be categorized into eight groups. These barriers based on the highest percentages associated with the most frequently occurring codes were respectively: cultural and social barriers (16.7%), financial and economic barriers (14.1%), and policy and legal barriers (13.3%), governmental and institutional barriers (12.8%), individual barriers (12.8%), educational and skill-related barriers (11.6%), spatial and geographical barriers (10.8%), familial barriers (7.9%). Based on the findings, the following recommendations are suggested: government support in simplifying the licensing and insurance processes, developing family and community awareness programs, encouraging male involvement and support for these programs, establishing and strengthening local micro-finance funds, facilitating connections to urban and local markets, and promoting group collaborations.

Cite this article: Ketabi, M., Karimi, S., Movahedi, R. 2025. Barriers to the Establishment of Rural Micro-Enterprises: A Study of Rural Women in Kermanshah Province. *Journal of Studies in Entrepreneurship and Sustainable Agricultural Development*, 12 (3), 113-132.



© The author(s)



[10.22069/jead.2025.22835.1857](https://doi.org/10.22069/jead.2025.22835.1857)

Publisher: Gorgan University of Agricultural Sciences and Natural Resources

موانع راه اندازی کسب و کارهای خرد روستایی (مطالعه زنان روستایی استان کرمانشاه)

مژده کتابی^۱، سعید کریمی^۲، رضا موحدی^{۳*}

^۱ دانشجوی دکتری، گروه ترویج و آموزش کشاورزی، دانشکده کشاورزی، دانشگاه بوعلی سینا، همدان، ایران.

^۲ گروه ترویج و آموزش کشاورزی، دانشکده کشاورزی، دانشگاه بوعلی سینا، همدان، ایران.

^۳ گروه ترویج و آموزش کشاورزی، دانشکده کشاورزی، دانشگاه بوعلی سینا، همدان، ایران. رایانامه: r.movahedi@basu.ac.ir

اطلاعات مقاله	چکیده
نوع مقاله: مقاله کامل علمی- پژوهشی	کسب و کارهای خرد، فرصت مناسبی برای توانمندسازی زنان روستایی و ورود آنان به عرصه اشتغال هستند تا در تأمین معیشت خانواده و کاهش فقر روستا کمک نمایند. به همین دلیل تقویت کسب و کارهای کوچک زنان روستایی به عنوان راهکاری مؤثر در افزایش اشتغال و کاهش بیکاری، از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است. از همین رو، تحقیق حاضر با هدف شناسایی موانع کسب و کارهای خرد زنان روستایی در استان کرمانشاه و بر مبنای رویکرد کیفی به انجام رسید. مصاحبه نیمه ساختارمند به عنوان ابزار جمع آوری اطلاعات در این تحقیق بود. روش تحلیل داده‌ها، تحلیل محتوای کیفی بود که با تحلیل متن مصاحبه با ۱۴ نفر از زنان روستایی که دارای کسب و کار خرد و یا در شرف راه اندازی آن بوده‌اند، انجام شد. انتخاب افراد مورد مصاحبه به شیوه گلوله برفی صورت گرفت. نتایج نشان داد موانع اصلی راه اندازی کسب و کارهای خرد زنان روستایی در استان کرمانشاه در ۸ دسته تقسیم می‌شوند. این موانع به ترتیب بر اساس بیشترین فراوانی کدهای به دست آمده عبارت بودند از: موانع فرهنگی و اجتماعی (۱۶/۷ درصد)، مالی و اقتصادی (۱۴/۱ درصد)، سیاست گذاری و قانونی (۱۳/۳ درصد)، دولتی و نهادی (۱۲/۸ درصد)، فردی (۱۲/۸ درصد)، آموزشی و مهارتی (۱۱/۶ درصد)، مکانی و جغرافیایی (۱۰/۸ درصد)، و موانع خانوادگی (۷/۹ درصد). باتوجه به نتایج به دست آمده از تحقیق، حمایت دولت در ساده سازی روند اخذ مجوز و دریافت بیمه، تدوین برنامه های آگاه سازی خانوادگی و محلی و تشویق مردان به همراهی و حمایت این برنامه ها، ایجاد و تقویت صندوق های خرد محلی، تسهیل روند برقراری ارتباط با بازارهای شهری و محلی، و ترویج همکاری های گروهی، به عنوان راهکارهای کاهش موانع کسب و کارهای خرد در بین زنان روستایی پیشنهاد می گردد.
واژه های کلیدی: کسب و کار خرد زنان روستایی موانع کسب و کار توانمندسازی، کارآفرینی	

استناد: کتابی، مژده؛ کریمی، سعید؛ موحدی، رضا. (۱۴۰۴). موانع راه اندازی کسب و کارهای خرد روستایی (مطالعه زنان روستایی استان کرمانشاه). *مطالعات کارآفرینی و توسعه پایدار کشاورزی*، ۱۲ (۳)، ۱۱۳-۱۳۲.



[10.22069/jead.2025.22835.1857](https://doi.org/10.22069/jead.2025.22835.1857)

© نویسندگان

ناشر: دانشگاه علوم کشاورزی و منابع طبیعی گرگان



مقدمه

بر اساس شاخص‌های توسعه انسانی سازمان ملل، زنان به‌عنوان یکی از شاخص‌های مهم توسعه‌یافتگی کشورها تلقی می‌شوند (احیایی و همکاران، ۱۴۰۱). شواهد آماری بیانگر کاهش نسبی نرخ مشارکت جهانی زنان طی دو دهه گذشته می‌باشد؛ به‌طوری که در سال ۲۰۰۰ برابر ۵۰/۹۴ درصد، در سال ۲۰۱۰ برابر ۴۸/۷۷ درصد و در سال ۲۰۲۰ به ۴۷/۲۹ درصد رسیده است (International Labour Organization, 2020). بر همین اساس، طی دهه‌های گذشته مشارکت زنان به‌شکل قابل‌توجهی در فرآیند برنامه‌های توسعه در دستور کار قرار گرفته است. یکی از راهکارهای افزایش مشارکت زنان به‌ویژه در مناطق روستایی، راه‌اندازی کسب‌وکارهای خرد در این مناطق است که با خلق فرصت‌های جدید اشتغال و درآمد، نوآوری و ایجاد رفاه نقش مؤثری در بهبود وضع اقتصادی و معیشتی جوامع روستایی دارد (Mobarok et al., 2021). کسب‌وکارهای خرد، فرصت مناسبی برای توانمندسازی زنان روستایی و ورود آنان به عرصه کسب‌وکار فراهم می‌کند تا در تأمین معیشت خانواده و کاهش فقر روستا کمک نمایند. به‌همین دلیل تقویت کسب‌وکارهای کوچک زنان روستایی به‌عنوان راهکاری مؤثر در افزایش اشتغال و کاهش بیکاری، از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است (یاسوری و نوروزی‌نژاد، ۱۴۰۰).

با ایجاد کسب‌وکارهای خرد زنان در محیط خانه و زندگی آنان در روستا، می‌توان در جهت افزایش مشارکت اقتصادی آنان اقدام کرد. در سطح جهانی، در کشورهای توسعه‌یافته و در حال توسعه، بخش کسب‌وکارهای خرد و متوسط، اکثریت قریب به اتفاق بنگاه‌ها را تشکیل می‌دهند و به‌میزان قابل‌توجهی مسئول تولید اشتغال و بازده اقتصادی و ارزش افزوده هستند (Kumar, 2019). کسب‌وکارهای خرد و

متوسط ستون فقرات اقتصادی جامعه به‌شمار می‌روند، زیرا موجب اشتغال، تولید، صادرات، کاهش فقر، توان اقتصادی و توسعه اقتصادی می‌گردند (Singh et al., 2017). کسب‌وکار خرد بنا به تعریف کسب‌وکاری است که اغلب تعداد کارمندان و اندازه آن محدود است. مفهوم خرد در این تعریف متغیر و به نوع فعالیت یا کشور بستگی دارد. از تعداد کمتر از ۸ نفر در کشور چین تا ۵۰۰ نفر شاغل در کشور آمریکا متغیر است (Muller et al., 2016). در آلمان، کسب‌وکارهای کمتر از ۱۵ نفر پرسنل خرد محسوب می‌شوند. در ایران نیز کسب‌وکارهایی که تعداد ۹ نفر یا کمتر نیروی انسانی دارند کسب‌وکار خرد تلقی می‌شوند (بوذرجمهری و همکاران، ۱۳۹۳).

با توجه به این که فعالیت‌های عمده مناطق روستایی توسط زنان انجام می‌پذیرد، توانمندسازی زنان روستایی از طریق راه‌اندازی کسب‌وکارهای خرد نقش مهمی در توسعه اقتصادی جوامع روستایی ایفا می‌کند (Rezai-Moghaddam et al., 2019). بنابراین توسعه کسب‌وکارهای خرد زنان روستایی از طریق شناسایی و رفع موانع پیشروی آنان علاوه بر این که زمینه‌های کاهش فقر را فراهم می‌کند، با ایجاد سرمایه اجتماعی، افزایش آگاهی، ظرفیت‌سازی، احساس پیشرفت، بهبود توان حل مسئله در مسائل مرتبط به زنان و اجتماع، موجب توانمندی آن‌ها می‌شود (Ajiva et al., 2024; Nieva, 2015).

بر اساس آخرین گزارش‌های مرکز آمار ایران، نرخ اشتغال زنان روستایی کشور به‌طور متوسط ۱۴/۶ درصد اعلام شده است. یعنی تنها حدود ۱۵ درصد زنان روستایی از نظر آماری به‌عنوان افراد شاغل محسوب می‌شوند. در همین بازه، نرخ اشتغال مردان روستایی ۶۸/۸ درصد بوده که نشان‌دهنده اختلاف قابل‌توجهی بین اشتغال زنان و مردان روستایی است (مرکز آمار ایران، ۱۴۰۳).

کرمانشاه معمولاً جزو استان‌هایی است که نرخ بیکاری زنان، به‌ویژه زنان روستایی در آن بالا است و در سال‌های اخیر نرخ بیکاری زنان روستایی آن از میانگین کشوری نیز فراتر بوده است (۲۵ تا ۴۰ درصد برای زنان روستایی برخی سال‌ها). نرخ مشارکت اقتصادی زنان روستایی کل استان حدود ۱۳ تا ۱۵ درصد است؛ یعنی فقط ۱۳ تا ۱۵ درصد زنان روستایی در سن کار، شاغل هستند (مرکز آمار ایران، ۱۴۰۳).

مطالعات نشان می‌دهد که زنان روستایی کرمانشاه از گذشته‌های دور با اتکا به منابع خودی و استفاده مطلوب از منابع در اختیارشان مدیریت خانوارهای خود را عهده‌دار بوده‌اند (فرجی و همکاران، ۱۳۹۳). گرچه فرصت‌هایی در حوزه‌های کشاورزی، دامداری سنتی، صنایع دستی، قالی‌بافی و مشاغل خانگی برای زنان روستایی در کرمانشاه فراهم است، اما بخش قابل‌توجهی از این فعالیت‌ها در «آمار رسمی اشتغال» ثبت نمی‌شود (زیرا معمولاً بیمه یا قرارداد رسمی ندارند). باوجود نقش و جایگاه مهم زنان روستایی استان کرمانشاه، عموماً مورد غفلت قرار گرفته و در بیشتر برنامه‌های توسعه روستایی محروم مانده‌اند. بنابراین زنان روستایی استان کرمانشاه همانند سایر استان‌های غربی ایران، برای اشتغال با موانع متعددی مواجه هستند؛ و تازمانی که این موانع به‌ویژه در حوزه فرهنگ، اقتصاد، آموزش و زیرساخت، رفع نشوند، رشد اشتغال پایدار زنان روستایی کند خواهد بود (علی بیگی و تقی بیگی، ۱۴۰۱).

از ۱۴ شهرستان استان کرمانشاه، بجز یک شهرستان، از اقوام مختلف کرد زبان (کردهای کلهر، سنجابی، سورانی، زنگنه و جاف) هستند. این قومیت با فرهنگ مردسالارانه درآمیخته است؛ به‌گونه‌ای که در این فرهنگ اشتغال، درآمد، استقلال و مالکیت زنان به‌سختی به رسمیت شناخته می‌شود (گیرشمن، ۱۳۸۵). باوجود پیشرفت‌هایی که در اهمیت دادن به کار زنان

روستایی در استان کرمانشاه وجود داشته، کاستی‌ها و موانع در این زمینه وجود دارد. لذا کسب‌وکارهای خرد زنان روستا که در خانه و یا محل زندگی آن‌ها انجام شود، با مدیریت و برنامه‌ریزی مناسب و سازگار با فرهنگ زنان روستایی، می‌تواند باعث ارتقای جایگاه شغلی آن‌ها گردد. بنابراین مساله اصلی تحقیق این است که زنان روستایی در استان کرمانشاه با چه موانعی در راه‌اندازی کسب‌وکارهای خرد روبه‌رو هستند؟

مبانی نظری و پیشینه پژوهش

در سال‌های اخیر، توسعه کسب‌وکارهای خرد روستایی به‌عنوان راهکاری مؤثر برای کاهش فقر و افزایش تاب‌آوری اقتصادی جوامع روستایی مطرح شده است. استان کرمانشاه با دارا بودن بسترهای مستعد کشاورزی، صنایع دستی و گردشگری، مستعد گسترش فعالیت‌های خرد اقتصادی است. اما فعالان این حوزه با موانع متعددی روبرو هستند.

۱. محدودیت‌های مالی و اعتباری: یکی از مهم‌ترین چالش‌های زنان و مردان روستایی برای راه‌اندازی کسب‌وکار، کمبود منابع مالی و دسترسی دشوار به تسهیلات بانکی است. به‌ویژه زنان روستایی با مشکلاتی نظیر فقدان وثیقه و ضامن مناسب، همچنین رویکرد سخت‌گیرانه بانک‌ها مواجه‌اند. محرومیت از صندوق‌های اعتباری محلی و نبود دوره‌های اطلاع‌رسانی درباره وام‌های حمایتی، سبب عقب‌ماندگی اقتصادی این گروه شده است (کاظمی و مقیمی، ۱۳۹۷).

۲. موانع فرهنگی و اجتماعی: نگرش سنتی به نقش زنان، به‌ویژه در روستاهای استان کرمانشاه، باعث محدود شدن مشارکت آنها در فعالیت‌های اقتصادی شده است. غالباً توقع خانواده و جامعه، انجام امور خانه‌داری و کم‌اهمیت دانستن حضور

حجاریان و همکاران (۱۴۰۳) در تحقیقی به بررسی موانع و چالش‌های مشاغل خانگی از دیدگاه کارشناسان و صاحبان مشاغل خانگی با استفاده از روش دلفی و تحلیل عاملی تاییدی پرداختند. نتایج تحقیق بیانگر آن بود که مهم‌ترین چالش‌های موجود عوامل ساختاری و مدیریتی، سیاست‌گذاری، عوامل مالی و اقتصادی، عوامل فردی-شخصیتی، و عوامل پژوهشی و اطلاع‌رسانی می‌باشد.

بر اساس یافته‌های کرمان و سقائیان (۱۴۰۲)، شرایط علی شامل (نداشتن سرمایه و پس‌انداز کافی، نداشتن توانایی ریسک‌پذیری به واسطه عدم پشتوانه مالی، دسترسی نداشتن به منابع اولیه و...)، شرایط زمینه‌ای شامل (سازه‌های نامناسب آموزشی، مدیریتی، اجتماعی و ارتباطی - اطلاعاتی)، شرایط مداخله‌گر شامل (موانع سیاستی - قانونی و موانع حمایتی)، راهبردهای به‌کار گرفته شده به‌وسیله جامعه مورد مطالعه شامل (پایین آمدن اعتماد به نفس، رها کردن کسب‌وکار در نیمه‌راه و...) و پیامدها شامل (عدم ایجاد جو کارآفرینانه در روستا، وابستگی به سرپرست خانوار) از نتایج این پژوهش بودند. نتایج تحقیق لک فر و همکاران (۱۴۰۳)، نشان داد که موانع کسب‌وکارهای پرورش دام مددجویان تحت پوشش کمیته امداد امام خمینی (ره) در شهرستان گنبد کاووس استان گلستان یازده عامل می‌باشد که عبارتند از: تولید پایین و درآمد ناکافی، فقدان حمایت خانواده و عدم برخورداری از مهارت‌های تولید، فقدان آینده‌نگری، عدم ثبات قوانین و مقررات و ناتوانی در سازگاری با تغییرات بازار، فقدان حمایت نهادی و عدم دسترسی به نهاده‌ها، فقدان روحیه خلاقیت و ابتکار و عدم برخورداری از دانش مدیریت منابع مالی، کیفیت پایین آموزش، فقدان حمایت بیمه‌ای و مشکلات بازاریابی و فروش محصولات، عدم مشارکت در برنامه‌های آموزشی، عدم تلاش و

زن در عرصه تولیدی و کارآفرینی است. چنین رویکردی نه تنها عزت‌نفس زنان را کاهش می‌دهد بلکه مانع انتقال تجربه‌های موفق کارآفرینی بین زنان می‌گردد (کرمان و سقائیان، ۱۴۰۲).

۳. ضعف دانش و مهارت‌های تخصصی: کسب‌وکارهای خرد برای موفقیت نیازمند آموزش‌های کاربردی در زمینه‌هایی مانند بازاریابی، بسته‌بندی بهداشتی و مدرن، آشنایی با استانداردهای محصول، و مدیریت مالی هستند که این آموزش‌ها در روستاهای استان کرمانشاه کمتر در دسترس قرار گرفته است. این ضعف مهارتی، بازدهی و پایداری این کسب‌وکارها را به مخاطره می‌اندازد (نرماشیری و جلیلیان، ۱۴۰۲).

۴. کمبود زیرساخت و دسترسی به بازار: شرایط نامناسب جاده‌ها، دوری از بازارهای مصرف، نبود اینترنت پایدار و حمل‌ونقل ضعیف نقش مهمی در محدودسازی قابلیت رشد کسب‌وکارهای خرد در کرمانشاه داشته است. به‌علاوه، محدود بودن تعداد بازارچه‌های محلی و نبود شبکه توزیع مناسب، زنان روستایی را برای فروش محصولات خود با مشکل جدی روبرو ساخته است (مرکز آمار ایران، ۱۴۰۳).

۵. پیچیدگی‌های قانونی و اداری: فرایندهای طولانی و مبهم برای دریافت مجوز فعالیت، نبود مشاوره حقوقی کارآمد و بی‌ثباتی قوانین حمایتی، مانعی جدی برای راه‌اندازی و توسعه کسب‌وکارهای کوچک محسوب می‌شود. به‌ویژه برای افراد فاقد تجربه قبلی یا سطح تحصیلات پایین، این روندها به‌مراتب سخت‌تر است (مرکز آمار ایران، ۱۴۰۳).

بررسی مطالعات و پژوهش‌های انجام‌شده، نشان می‌دهد که موانع مذکور عمدتاً همچنان تداوم دارند و راهکارهای پیشنهادی قبلی نیز کمتر به مرحله اجرا رسیده‌اند.

پشتکار و فقدان دانش حرفه‌ای. نتایج پژوهش سلطانی و همکاران (۱۴۰۳) نشان داد که به ترتیب عوامل نهادی، عوامل فرهنگی، آموزشی، اجتماعی و محیطی تأثیر معناداری بر توسعه اشتغال زنان روستایی دارند. یافته‌های پژوهش نرمایشی و جلیلیان (۱۴۰۲) نشان داد عوامل آموزشی و عوامل اقتصادی، در مسیر راه‌اندازی یک کسب‌وکار خانگی تأثیر گذارتر از بقیه عوامل هستند. یافته‌های پژوهش عفری و همکاران (۱۴۰۱) نشان داد که دانش و اطلاعات، تلاطم‌های فردی، سرمایه اجتماعی، مسئولیت‌پذیری اجتماعی، داشتن الگوی نقش، خصیصه‌های روانشناختی، آگاهی اجتماعی، ماهیت صندوق‌های اعتبارات خرد و ویژگی‌های جمعیت‌شناختی، مؤلفه‌های تبیین‌کننده الگوی توسعه کارآفرینی اجتماعی در بین زنان روستایی بودند. بر اساس پژوهش طولابی‌نژاد و همکاران (۱۴۰۱) چالش‌های مشارکت زنان روستایی در فعالیت‌های کارآفرینی کشاورزی، چالش اقتصادی-مالی، فرهنگی-اجتماعی، شخصی-روانشناختی و چالش‌های ساختاری-نهادی می‌باشند. نتایج تحقیق احمدپور و همکاران (۱۴۰۰) نشان داد، متغیرهای سابقه عضویت در صندوق، تعداد سال‌های فعالیت، شرکت در دوره‌های آموزشی و میزان اعتمادبه‌نفس بر تمایل زنان روستایی به ایجاد فرصت‌های شغلی جدید تأثیر مثبت و معنی‌داری داشته‌اند. همچنین یافته‌های این تحقیق حاکی از آن بود، فاصله محل سکونت از کسب‌وکار بر تمایل زنان به ایجاد فرصت‌های شغلی جدید در روستا اثرگذاری منفی و معنی‌داری دارد.

محمدی و همکارانش (۱۳۹۹) نشان دادند که موانع قانونی، ضعف در سیاست‌گذاری و نارسایی در تامین زیرساخت‌ها، خدمات و امکانات؛ ضعف‌های بازاریابی و فروش؛ موانع فنی و عملی؛ موانع اجتماعی و فرهنگی؛ و محدودیت‌های آموزشی و ضعف منابع مالی، مهم‌ترین موانع پیش‌روی گرایش

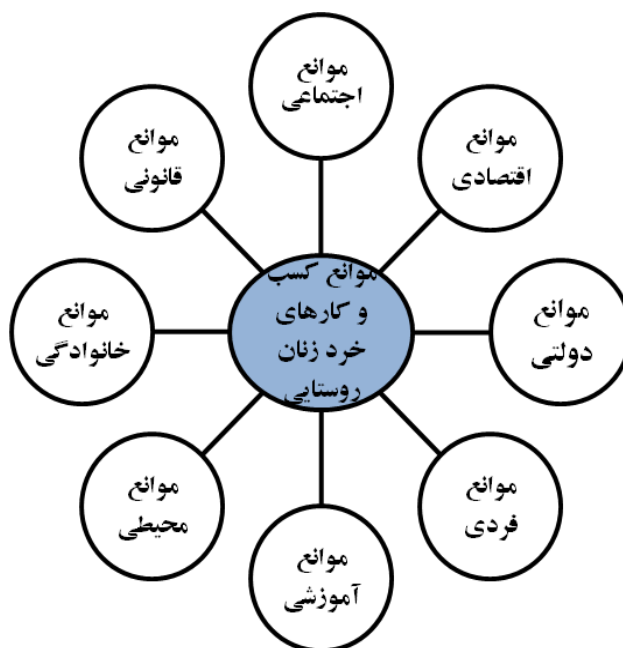
روستاییان منطقه مریوان و سروآباد کردستان به فعالیت در کسب‌وکارهای خرد کارآفرینانه هستند. پژوهش کاظمی و مقیمی (۱۳۹۷) نشان داد مهم‌ترین موانع شروع و ادامه کارآفرینی زنان روستایی عبارتند از: تمایل کم به راه‌اندازی کسب‌وکار پیچیده، مشکل دسترسی به خدمات و توسعه کسب‌وکار، مشکل دسترسی به بازار، بی‌تجربگی در برنامه‌ریزی مالی، کمبود یا نبود برنامه‌ریزی برای هدایت سرمایه، مشکل تامین سرمایه، کمبود مهارت حرفه‌ای، و شیوه‌های ضد رقابتی.

نتایج پژوهش خسروی پور و همکارانش (۱۳۹۹) نشان داد که مهم‌ترین موانع بازدارنده کارآفرینی زنان روستایی در کرمانشاه به ترتیب موانع اجتماعی - فرهنگی، موانع حمایتی-اقتصادی و موانع مدیریتی بودند. حکمت‌یار و داودیان (۱۳۹۹) به شناسایی موانع توسعه کارآفرینی در بین زنان روستایی دهستان جامرود شهرستان تربت‌جام پرداختند که نتایج پژوهش نشان داد متغیرهای محدودیت اجتماعی برای فعالیت زنان در بازار از بعد اجتماعی فرهنگی، نداشتن پشتوانه مالی و پس‌انداز کافی از بعد اقتصادی، پایین بودن سطح سواد زنان روستایی از بعد آموزشی و مدیریتی، عدم دسترسی به فناوری‌های جدید از بعد فنی و وجود محدودیت‌های زیاد برای فعالیت‌های اقتصادی مستقل زنان از بعد موانع سیاست‌گذاری، مهم‌ترین موانع توسعه کارآفرینی زنان مورد مطالعه می‌باشند. (Moral et al. (2024 در تحقیق خود نشان دادند که شرایط آسیب‌پذیر زندگی، بی‌توجهی اجتماعی، در دسترس بودن جایگزین‌ها، بیماری‌های مکرر، افزایش قیمت مواد اولیه، فقدان مهارت‌های کارآفرینی و فقدان مهارت‌های مدیریتی از چالش‌های اصلی زنان کارآفرین حاشیه‌ای هستند. Aliamutu and Mkhize (2024) در تحقیق خود نشان دادند، موانع اولیه برای توسعه مشاغل تحت مالکیت زنان در

آموزش و مهارت بر توانایی کارآفرینی زنان روستایی تأثیر بسزایی دارد.

در جمع‌بندی و تحلیل ادبیات نظری و پیشینه تحقیق مشخص شد، اگرچه کسب‌وکارهای خرد در ارتقا وضعیت شغلی و جایگاه اجتماعی زنان روستایی نقش مهمی ایفا می‌کنند اما زنان در راه‌اندازی این‌گونه مشاغل با موانع متعددی روبه‌رو هستند. این موانع را می‌توان بر اساس ماهیت آن‌ها در طبقات مختلفی از جمله موانع اقتصادی نظیر دسترسی محدود به منابع مالی، موانع فرهنگی و اجتماعی مانند فرهنگ مردسالاری در جامعه روستایی، موانع قانونی نظیر وجود محدودیت در قوانین ارث و مالکیت زنان، موانع آموزشی مانند پایین بودن سطح تحصیلات و سواد زنان روستایی، موانع مدیریتی و موانع فردی مانند روحیه ریسک‌پذیری پایین قرار داد (شکل ۱). این موانع به صورت زنجیره‌ای، راه‌اندازی و رشد کسب‌وکارهای خرد روستایی، به‌ویژه توسط زنان را با مشکل مواجه کرده و لزوم بازنگری سیاست‌گذاری‌ها و حمایت هدفمند را نشان می‌دهد.

جوامع روستایی محدودیت‌های مالی، فقدان آموزش رسمی و امکانات ناکافی است. McDonagh et al. (2024) در تحقیق خود دریافتند که موانع توسعه کسب‌وکار شامل فقدان حمایت مالی کافی، ناامیدی ناشی از پیچیدگی برنامه‌های تأمین مالی، عدم حمایت اجتماعی- فرهنگی، عدم آگاهی شرکت‌کنندگان از مزایای حضور آنلاین برای توسعه کسب‌و کار خود، عدم اعتماد به توانایی‌های دیجیتال خود، عدم آگاهی کارآفرینان زن از برنامه‌های مشاوره‌ای بودند. Semkunde et al. (2022) در مطالعه‌ای دریافتند که زنان روستایی با چالش‌های منحصربه‌فردی در زمینه مشارکت در فعالیت‌های کارآفرینی مواجه هستند از جمله دسترسی محدود به زمین‌های کشاورزی و بازارهای سودآور، فقدان شبکه‌های تجاری، زمان محدود، فقر و منابع مالی ناکافی. Obi et al. (2017) در بررسی موانع اجتماعی- فرهنگی مؤثر بر توانمندسازی اقتصادی زنان روستایی از طریق کارآفرینی در کشاورزی در ایالت جنوب شرقی نیجریه نشان داد که مانع اجتماعی- فرهنگی و کمبود



شکل ۱: مدل مفهومی پژوهش (موانع راه‌اندازی کسب‌وکارهای خرد زنان روستایی)

مواد و روش‌ها

این تحقیق با هدف شناسایی موانع راه‌اندازی کسب‌وکارهای خرد زنان روستایی در استان کرمانشاه انجام شد. بنابراین تحقیق حاضر از نوع کاربردی است که با راهبرد کیفی انجام شده است. از نظر روش تحلیل داده‌ها، از نوع تحلیل محتوای مضمونی یا تماتیک می‌باشد که در طی پنج مرحله مفاهیم و مقوله‌های مرتبط با موانع راه‌اندازی کسب‌وکارهای خرد از متن مصاحبه‌ها استخراج گردید.

جامعه آماری پژوهش شامل دو گروه از زنان روستایی صاحب کسب‌وکارهای روستایی، یا در شرف راه‌اندازی کسب‌وکار روستایی بودند. از بین آن‌ها کسانی که دارای ویژگی کسب‌وکار خرد روستایی (مثلاً مشاغل خانگی، تولید و بسته‌بندی قارچ)؛ اطلاعات و دانش کافی، تجربه کافی در زمینه موانع راه‌اندازی کسب‌وکار، و مایل به مشارکت در انجام این پژوهش بودند، مورد شناسایی و مصاحبه قرار گرفتند. روش نمونه‌گیری به‌شیوه گلوله‌برفی انجام شد و مصاحبه‌ها با ۱۴ نفر از زنان روستایی در سطح استان به‌اشباع نظری رسید.

روش تحلیل محتوای کیفی بر اساس پنج مرحله زیر انجام شد:

۱. جمع‌آوری داده‌های کیفی: در این مرحله از طریق مصاحبه با ۱۴ نفر از زنان روستایی که اغلب یا دارای کسب‌وکار خرد و یا در شرف راه‌اندازی آن بوده‌اند، انجام شد. انتخاب افراد مورد مصاحبه به‌شیوه گلوله‌برفی صورت گرفت و داده‌های مورد نیاز جمع‌آوری شد.

۲. سازماندهی و اتصال به داده‌های کیفی: در این مرحله بر اساس مقوله‌ها و مفاهیم استخراج شده، مصاحبه‌های بعدی سازماندهی شد.

۳. کدگذاری داده‌های کیفی: از تحلیل خطبه‌خط استفاده شد و همراه با آن جوهره مطالب استخراج و کدگذاری صورت گرفت.

۴. تجزیه و تحلیل داده‌های کیفی: ابتدا مقوله‌ها یا مفاهیمی که بر اساس کدها یا کلمات استخراج شده، دارای همگرایی و تشابه بودند مشخص شدند. سپس واحدهای معنی‌دار (مضمون‌ها) استخراج گردید. مضامین و مفاهیم به‌دست آمده به دقت مطالعه گردید و با بررسی مشابهت نظری، مفهوم‌پردازی شدند.

۵. گزارش به‌دست‌آمده از تحلیل داده‌ها: در آخرین مرحله نیز گزارش نتایج به‌دست‌آمده ارائه گردید.

یافته‌ها

ویژگی‌های فردی - حرفه‌ای مصاحبه‌شوندگان:

مشخصات فردی مصاحبه‌شوندگان در جدول ۱ آورده شده است. بر اساس یافته‌ها ۵۷/۲ درصد مصاحبه‌شوندگان در رده سنی ۳۱ تا ۵۰ قرار داشتند. از نظر سطح سواد بیشترین درصد فراوانی (۳۵/۷) مربوط به مقطع دیپلم بود. حوزه فعالیت اکثریت مصاحبه‌شوندگان در زمینه فراوری محصولات دامی، محصولات باغی و پرورش دام و طیور قرار داشت. از نظر شغلی ۷۱/۴ درصد مصاحبه‌شوندگان خانه‌دار بوده و سابقه فعالیت بیشتر آن‌ها زیر پنج سال یوده است.

جدول ۱: توزیع فراوانی ویژگی‌های فردی - حرفه‌ای مصاحبه‌شوندگان

نوع متغیر	گروه‌ها	فراوانی	درصد فراوانی
سن (سال)	زیر ۳۰ سال	۲	۱۴/۳
	۳۱-۴۰	۴	۲۸/۶
	۴۱-۵۰	۴	۲۸/۶
	۵۱-۶۰	۳	۲۱/۳
	۶۱ به بالاتر	۱	۷/۱
	جمع	۱۴	۱۰۰
سطح سواد (مقطع)	ابتدایی	۲	۱۴/۳
	دیپلم	۵	۳۵/۷
	متوسطه	۲	۱۴/۳
	فوق لیسانس	۱	۷/۱
	بی سواد	۴	۲۸/۶
	جمع	۱۴	۱۰۰
حوزه فعالیت	فراوری محصولات دامی	۴	۲۸/۶
	پرورش دام و طیور	۴	۲۸/۶
	صنایع دستی	۲	۱۴/۳
	فراوری محصولات باغی	۴	۲۸/۶
	جمع	۱۴	۱۰۰
شغل	خانه‌دار	۱۰	۷۱/۴
	شغل دولتی - کارمند	۲	۱۴/۳
	خود سرپرست	۲	۱۴/۳
	جمع	۱۴	۱۰۰
سابقه فعالیت	زیر ۵ سال	۵	۳۵/۷
	۶-۱۰	۱	۷/۱
	۱۱-۲۰	۴	۲۸/۶
	۲۱ به بالا	۴	۲۸/۶
	جمع	۱۴	۱۰۰

مرحله بعد، این مقوله‌ها در ۸ مقوله اصلی یا مضمون دسته‌بندی شدند که نتایج آن در جداول ۲ تا ۱۰ تحت عنوان استخراج کدها و مقوله‌های مشترک موانع راهاندازی کسب‌وکارهای خرد زنان روستایی ارائه شده است.

موانع دولتی و نهادی: یافته‌های حاصل از مصاحبه‌ها نشان داد با مضمون موانع دولتی راهاندازی کسب‌وکارهای خرد زنان روستایی، تعداد ۶۹۴ کلمه،

استخراج کدها و مفاهیم یا مقوله‌های مشترک: پس از بررسی مصاحبه‌ها، کلمات و عبارات معنی‌دار در قالب کدهای اولیه استخراج گردید و پس از حذف کدهای تکراری، تعداد ۷۴ کد حاصل شد. پس از استخراج کدهای اولیه، مقوله‌های استخراج شده با ماهیت موضوعی مشابه (مفاهیم مشترک) درون یک طبقه یا مضمون قرار گرفتند. درواقع، در این مرحله ۲۳ مقوله یا مفهوم مشترک شناسایی و استخراج شدند. در

تعداد ۹۷ جمله، تعداد ۸ کد و تعداد ۳ مفهوم مشترک در این زمینه استخراج شد. تعداد کدها و مفاهیم مشترک با ذکر فراوانی تکرار و درصد تکرار در جدول ۲ آمده است. مقوله سختی و زمان بر بودن گرفتن مجوزها و استعلامات، با بیشترین فراوانی و ۴۱/۹ درصد به عنوان مهم ترین مانع راه اندازی کسب و کارهای خرد زنان روستایی با مضمون موانع دولتی و نهادهای بوده است.

جدول ۲: استخراج کدها و مفاهیم مشترک با مضمون موانع دولتی و نهادهای کسب و کارهای خرد زنان روستایی

کدها	فراوانی	درصد فراوانی	جمع درصد	مفاهیم یا مقوله های مشترک
سختی و پیچیدگی گرفتن مجوز از ادارات	۱۰	۳۲/۲	۴۱/۹	سختی و زمان بر بودن گرفتن مجوزها و استعلامات
زمان بر بودن اخذ مجوزها و استعلامات قانونی	۳	۹/۷		
عدم بیمه کسب و کارهای زنان از سوی دولت	۴	۱۲/۹	۳۵/۵	عدم حمایت دولت در بیمه کردن کسب و کارهای زنان
عدم حمایت دولت از بیمه کردن خود زنان	۳	۹/۷		
عدم حمایت دولت در بیمه کسب و کارهای زنان	۳	۹/۷		
بالا بودن هزینه بیمه تامین اجتماعی	۱	۳/۲		
عدم حمایت کافی دولت	۵	۱۶/۱	۲۲/۶	عدم حمایت برخی سازمانهای دولتی
عدم حمایت سازمانهای مربوطه از جمله بهزیستی	۲	۶/۵		
جمع فراوانی و درصد	۳۱	۱۰۰	۱۰۰	

موانع سیاست گذاری و قانونی: با مضمون موانع سیاست گذاری و قانونی راه اندازی کسب و کارهای خرد زنان روستایی، تعداد ۷۳۶ کلمه، تعداد ۱۰۱ جمله، تعداد ۱۰ کد و تعداد ۳ مفهوم مشترک استخراج شد. جدول ۳ تعداد کدها و مفاهیم مشترک

با فراوانی تکرار و درصد تکرار را نشان می دهد. مقوله ضعف قوانین مربوط به ارث زنان، با بیشترین فراوانی و ۴۳/۸ درصد به عنوان مهم ترین مانع راه اندازی کسب و کارهای خرد زنان روستایی بوده است.

جدول ۳: استخراج کدها و مفاهیم مشترک با مضمون موانع سیاست گذاری و قانونی کسب و کارهای خرد زنان روستایی

کدها	فراوانی	درصد فراوانی	جمع درصد	مفاهیم مشترک
گذشتن از سهم الارث به دلیل عرف موجود در روستا	۵	۱۵/۶	۴۳/۸	ضعف قوانین ارث
غالب بودن عرف روستا بر قوانین ارث	۳	۹/۴		
سهم ناچیز زنان از قوانین ارث	۴	۱۲/۵		
سهم نابرابر زنان روستا از اموال پدر و مادر	۲	۶/۳		
تبعیض بر علیه زنان در قوانین طلاق	۵	۱۵/۶	۳۴/۲	ضعف قوانین طلاق
غالب بودن عرف روستا بر قوانین طلاق	۳	۹/۳		
مردانه بودن قوانین طلاق و عدم حمایت از زنان	۳	۹/۳		
قوانین ضعیف مدافع و موافق زنان در راه اندازی کسب و کار	۳	۹/۴	۲۲	عدم حمایت قانونی از زنان روستایی
قوانین دولتی ضعیف در حمایت از حقوق زنان روستایی	۲	۶/۳		
عدم حمایت های سیاست گذاری از زنان روستایی	۲	۶/۳		
جمع فراوانی و درصد	۳۲	۱۰۰	۱۰۰	

موانع راه‌اندازی کسب‌وکارهای خرد روستایی (مطالعه زنان روستایی استان کرمانشاه) / مؤده کتابی و همکاران

موانع فرهنگی و اجتماعی: سومین مضمون استخراج‌شده از مصاحبه‌ها، موانع فرهنگی و اجتماعی راه‌اندازی کسب‌وکارهای خرد زنان روستایی نام‌گذاری شد. تعداد ۷۸۴ کلمه، تعداد ۱۱۳ جمله، تعداد ۱۳ کد و تعداد ۴ مفهوم مشترک در این زمینه استخراج شد. همان‌طور که در جدول ۴ نشان داده شده است، مقوله فرهنگ مردسالارانه، و عدم حمایت مردان از اشتغال زنان به ترتیب با ۳۵ و ۳۰ درصد به‌عنوان مهم‌ترین موانع راه‌اندازی کسب‌وکارهای خرد زنان روستایی شناخته شده‌اند.

جدول ۴: استخراج کدها و مفاهیم مشترک با مضمون موانع فرهنگی و اجتماعی کسب‌وکارهای خرد زنان روستایی

کدها	فراوانی	درصد فراوانی	جمع درصد	مفاهیم مشترک
مرد سالاری	۷	۱۷/۵	۳۵	فرهنگ مردسالارانه
غرور مردان	۴	۱۰		
تعصب مردان نسبت به همسرانشان	۳	۷/۵		
عدم حمایت مردان روستا از راه‌اندازی کسب‌وکار توسط زنانشان	۵	۱۲/۵	۳۰	عدم حمایت مردان از اشتغال زنان روستایی
مخالفت مردان با کار کردن زنان روستا	۳	۷/۵		
ممانعت عرفی مردان از تملک دارایی توسط زنان	۲	۵		
جو روستا در مخالفت با کار کردن زنان	۲	۵		
سخت بودن مستقل شدن زنان در عرف روستا	۳	۷/۵	۲۰	تصمیم‌گیرنده بودن مردان در مسایل مختلف
دیدگاه جامعه نسبت به سرپرستی و نان آوری مردان	۲	۵		
ترجیح مردان به وابستگی زنانشان به آنها	۱	۲/۵		
تصمیم‌گیرنده بودن مردان در مسایل مختلف	۲	۵		
ضعف حمایت‌های اجتماعی از زنان سرپرست خانوار	۲	۵	۱۵	سوگیری جنسیتی
سوگیری و تبعیض جنسیتی	۴	۱۰		
جمع فراوانی و درصد	۴۰	۱۰۰	۱۰۰	

می‌دهد که مقوله نداشتن سرمایه اولیه، ناتوانی در دریافت وام و تسهیلات بانکی به ترتیب با ۴۱/۲ و ۳۲/۳ درصد فراوانی، از سایر موانع مهم‌تر بوده‌اند (جدول ۵).

موانع مالی و اقتصادی: چهارمین مضمون شناخته شده در زمینه راه‌اندازی کسب‌وکارهای خرد زنان روستایی، موانع مالی و اقتصادی بود. تعداد ۷۳۷ کلمه، تعداد ۱۱۹ جمله، تعداد ۱۱ کد و تعداد ۳ مفهوم مشترک در این زمینه استخراج شد. یافته‌ها در این زمینه نشان

جدول ۵: استخراج کدها و مفاهیم مشترک موانع اقتصادی راه‌اندازی کسب‌وکارهای خرد زنان روستایی

کدها	فراوانی	درصد فراوانی	جمع درصد	مفاهیم مشترک
مشکل سرمایه اولیه	۴	۱۱/۸	۴۱/۲	نداشتن سرمایه مالی
نداشتن پشتوانه مالی در راه‌اندازی کسب‌وکار	۳	۸/۸		
نداشتن پشتوانه مانند دارایی‌های سرمایه‌ای (املاک و زمین)	۳	۸/۸		
عدم استقلال اقتصادی زنان روستایی در خانواده	۲	۵/۹		
عدم حمایت مالی از جانب خانواده	۲	۵/۹		
دشواری فراهم کردن تضامین برای اخذ وام و تسهیلات بانکی	۵	۱۴/۷	۳۲/۳	ناتوانی در دریافت وام و تسهیلات بانکی
ناتوانی در اخذ وام و تسهیلات بانکی	۳	۸/۸		
نداشتن دارایی برای ضمانت‌های بانکی	۳	۸/۸		
شریک شدن مردان از درآمد زنان در صورت حمایت مالی	۴	۱۱/۸	۲۶/۵	مدیریت ضعیف کسب و کار
بلد نبودن کسب‌وکار	۲	۵/۹		
ضعف مدیریت در کسب و کار	۳	۸/۸		
جمع فراوانی و درصد	۳۴	۱۰۰	۱۰۰	

و درصد تکرار در جدول ۶ آمده است. از بین دو مقوله یا مفهوم مشترک به‌دست آمده در این زمینه، دور بودن از مسیرهای جاده‌ای با ۵۳/۸ درصد به‌عنوان مهم‌ترین مانع راه‌اندازی کسب‌وکارهای خرد زنان روستایی بوده است.

موانع مکانی و جغرافیایی: از دیگر موانع شناخته‌شده در این تحقیق، موانع مکانی و جغرافیایی راه‌اندازی کسب‌وکارهای خرد زنان روستایی بوده است. تعداد ۵۶۹ کلمه، تعداد ۷۲ جمله، تعداد ۶ کد و تعداد ۲ مفهوم مشترک در این زمینه استخراج شد. نتایج حاصل از تعداد کدها، مفاهیم مشترک، فراوانی تکرار

جدول ۶- استخراج کدها و مفاهیم مشترک با مضمون موانع مکانی و جغرافیایی کسب‌وکارهای خرد زنان روستایی

کدها	فراوانی	درصد فراوانی	جمع درصد	مفاهیم مشترک
فاصله روستا از جاده اصلی	۶	۲۳/۱	۵۳/۸	دور بودن روستا از مسیرهای ارتباطی اصلی
دور بودن از مراکز ارتباطی و جاده‌های مواصلاتی	۳	۱۱/۵		
دور بودن روستا از مسیرهای ارتباطی اصلی و مرکز دهستان	۳	۱۱/۵		
دوری از بازار برای تامین مواد اولیه و یا فروش محصولات	۲	۷/۷		
سختی در رفت و آمد زنان روستایی به ادارات دولتی	۸	۳۰/۸	۴۶/۲	مشکل در رفت و آمد به ادارات دولتی
وابستگی زنان روستایی به مردان در رفت و آمد به بازار	۴	۱۵/۴		
جمع فراوانی و درصد	۲۶	۱۰۰	۱۰۰	

در جدول ۷ نشان داده شده است از بین دو مقوله یا مفهوم مشترک استخراج شده، مقوله مخالفت خانواده با کار کردن زنان روستا با ۵۲/۷ درصد مانع مهم‌تری برای راه‌اندازی کسب‌وکارهای خرد زنان روستایی در کرمانشاه بوده است.

موانع خانوادگی: یافته‌ها نشان داد مضمون موانع خانوادگی یکی دیگر از موانع راه‌اندازی کسب‌وکارهای خرد زنان روستایی بوده است. تعداد ۴۰۵ کلمه، تعداد ۶۱ جمله، تعداد ۷ کد و تعداد ۲ مفهوم مشترک در این زمینه استخراج شد. همان‌طورکه

موانع راه‌اندازی کسب‌وکارهای خرد روستایی (مطالعه زنان روستایی استان کرمانشاه) / مژده کتابی و همکاران

جدول ۷- استخراج کدها و مفاهیم مشترک با مضمون موانع خانوادگی راه‌اندازی کسب‌وکارهای خرد زنان روستایی

کدها	فراوانی	درصد فراوانی	جمع درصد	مفاهیم مشترک
مخالفت شوهر با کار کردن زن	۴	۲۱/۱	۵۲/۷	مخالفت خانواده با کار کردن زنان روستا
عدم همکاری خانواده برای حمایت از زنان روستا در راه‌اندازی کسب‌وکار	۳	۱۵/۸		
حمایت نکردن جامعه از زنان روستایی برای راه‌اندازی کسب‌وکار	۳	۱۵/۸		
جانیفتادن فرهنگ استقلال زنان روستا	۲	۱۰/۵	۴۷/۳	جانیفتادن فرهنگ کسب‌وکار زنان
جانیفتادن عرفی کسب‌وکار زنان در روستا	۲	۱۰/۵		
سخت بودن مستقل شدن زنان در عرف روستا	۲	۱۰/۵		
بد دانستن کار زنان در عرف روستا	۳	۱۵/۸		
جمع فراوانی و درصد	۱۹	۱۰۰	۱۰۰	

سه مفهوم مشترک، مقوله یا مفهوم مشترک ریسک‌پذیری پایین با ۳۸/۵ درصد فراوانی، مانع مهم‌تری برای راه‌اندازی کسب‌وکارهای خرد زنان روستایی کرمانشاه بوده است.

موانع فردی: یافته‌ها نشان داد، هفتمین مضمون، موانع فردی راه‌اندازی کسب‌وکارهای خرد زنان روستایی می‌باشد. تعداد ۵۴۸ کلمه، تعداد ۶۵ جمله، تعداد ۱۳ کد و تعداد ۳ مفهوم مشترک در این زمینه استخراج شد. همانطور که در جدول ۸ مشاهده می‌شود از بین

جدول ۸- استخراج کدها و مفاهیم مشترک با مضمون موانع فردی کسب‌وکارهای خرد زنان روستایی

کدها	فراوانی	درصد فراوانی	جمع درصد	مفاهیم مشترک
نداشتن روحیه‌ی ریسک‌پذیری	۵	۱۶/۱	۳۸/۵	ریسک‌پذیری پایین
ترس از شکست	۳	۹/۶		
ترس از دست دادن سرمایه	۲	۶/۴		
ترس از عرف و حرف مردم	۱	۳/۲		
ترس از کارآفرینی	۱	۳/۲		
اعتماد به نفس پایین	۴	۱۲/۹	۳۵/۵	خودباوری و اعتماد به نفس پایین
ناتوانی زنان روستایی در احقاق حقوق خود	۲	۶/۵		
مطیع مرد بودن و احساس ضعف کردن	۲	۶/۵		
باور نداشتن به قابلیت‌ها و توانایی‌های خود (خودباوری پایین)	۳	۹/۶		
نداشتن انگیزه و هدف برای راه‌اندازی کسب‌وکار	۲	۶/۵		
آینده‌نگر نبودن	۲	۶/۵	۲۶	آینده‌نگر نبودن
نداشتن توانایی‌های مدیریتی	۲	۶/۵		
ترس از آینده	۲	۶/۵		
جمع فراوانی و درصد	۳۱	۱۰۰	۱۰۰	

موانع آموزشی و مهارتی: یافته‌های حاصل از مصاحبه‌ها نشان داد هشتمین مضمون، موانع آموزشی و مهارتی راه‌اندازی کسب‌وکارهای خرد زنان روستایی است. تعداد ۴۰۷ کلمه، تعداد ۵۳ جمله، تعداد ۷ کد و تعداد ۳ مفهوم مشترک در این زمینه استخراج شد. در جدول ۹ تعداد کدها، مفاهیم

مشترک، فراوانی تکرار و درصد تکرار آمده است. از بین سه مفهوم مشترک شناخته‌شده، مقوله یا مفهوم مشترک عدم شرکت در برنامه‌های آموزشی مهارت با ۴۶/۴ درصد مهم‌تراز سایر موانع راه‌اندازی کسب‌وکارهای خرد زنان روستایی بوده است.

جدول ۹: استخراج کدها و مفاهیم مشترک با مضمون موانع آموزشی و مهارتی کسب‌وکارهای خرد زنان روستایی

کدهای اولیه	فراوانی	درصد فراوانی	جمع درصد	مفاهیم مشترک
عدم شرکت در دوره‌های آموزشی مهارت	۶	۲۱/۴	۴۶/۴	عدم شرکت در برنامه‌های آموزشی مهارت
عدم شرکت در دوره‌های آموزش غیر رسمی و ترویجی	۴	۱۴/۳		
ضعف برنامه‌های آموزشی برای زنان روستایی	۳	۱۰/۷		
بی‌سوادی و کم سوادی زنان روستایی	۶	۲۱/۴	۳۲/۱	بی‌سوادی و کم سوادی زنان روستایی
عدم دسترسی به دوره‌های آموزش رسمی	۳	۱۰/۷		
نداشتن توانایی‌های دانشی و مدیریتی	۴	۱۴/۳	۲۱/۵	ضعف دانش و آگاهی در راه‌اندازی کسب‌وکارها
عدم آگاهی لازم در راه‌اندازی کسب‌وکار	۲	۷/۲		
جمع فراوانی و درصد	۲۸	۱۰۰	۱۰۰	

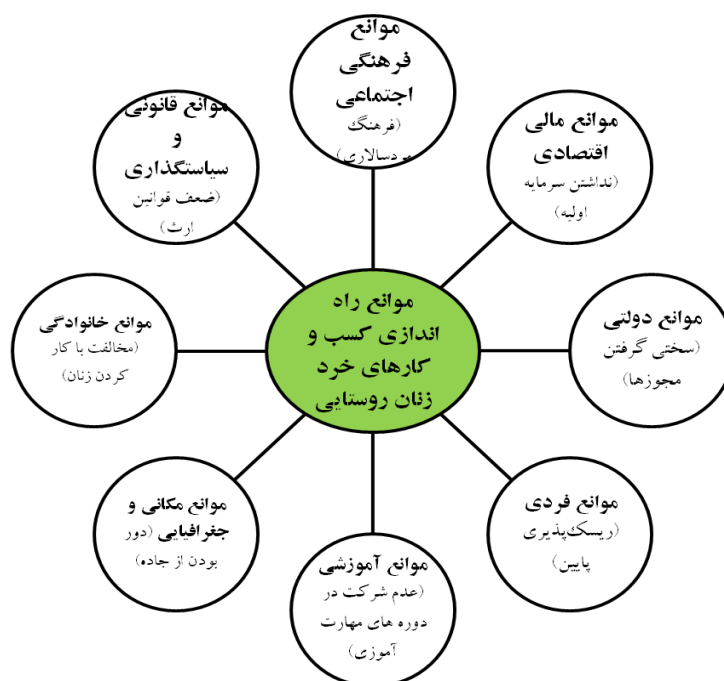
در نهایت، موانع اصلی راه‌اندازی کسب‌وکارهای خرد زنان روستایی در استان کرمانشاه در ۸ دسته تقسیم شدند که عبارت‌اند از: موانع دولتی و نهادی، موانع سیاست‌گذاری و قانونی، موانع فرهنگی و اجتماعی، موانع مالی و اقتصادی، موانع مکانی و جغرافیایی، موانع خانوادگی، موانع فردی، موانع آموزشی و مهارتی. این موانع در شکل ۲ نشان داده شده‌اند. در مجموع همان‌طور که نتایج در جدول ۱۰ خلاصه شده

است، بالاترین درصدها بر اساس بیشترین فراوانی کدهای بدست آمده مربوط به موانع فرهنگی و اجتماعی (۱۶/۷ درصد)، مالی و اقتصادی (۱۴/۱ درصد)، و سیاست‌گذاری و قانونی (۱۳/۳ درصد) است. این نتیجه بیانگر آن است که موانع فرهنگی و اجتماعی، مهم‌ترین موانع راه‌اندازی کسب‌وکارهای خرد زنان روستایی در استان کرمانشاه بوده است.

موانع راه‌اندازی کسب‌وکارهای خرد روستایی (مطالعه زنان روستایی استان کرمانشاه) / مژده کتابی و همکاران

جدول ۱۰: تعداد کل مضمون‌ها، مفاهیم مشترک، با درصد فراوانی هر مضمون (منبع: یافته‌های تحقیق)

ردیف	مضمون‌ها	تعداد مفاهیم	فراوانی کدها بدون تکرار	فراوانی کدها با تکرار	درصد فراوانی	مشابهت با سایر مطالعات
۱	فرهنگی و اجتماعی	۴	۱۳	۴۰	۱۶/۷	سلطانی و همکاران (۱۴۰۳)، طولابی‌نژاد و همکاران (۱۴۰۱)، خسروی پور و Obi et al. (2017) همکاران (۱۳۹۹)،
۲	مالی و اقتصادی	۳	۱۱	۳۴	۱۴/۱	حجاریان و همکاران (۱۴۰۳)، نرمایشیری و جلیلیان (۱۴۰۲)، طولابی‌نژاد و همکاران (۱۴۰۱)، خسروی پور و همکاران (۱۳۹۹)
۳	سیاستگذاری و قانونی	۳	۱۰	۳۲	۱۳/۳	حجاریان و همکاران (۱۴۰۳)، محمدی و همکاران (۱۳۹۹)
۴	دولتی و نهادی	۳	۷	۳۱	۱۲/۸	سلطانی و همکاران (۱۴۰۳)، طولابی‌نژاد و همکاران (۱۴۰۱)،
۵	فردی	۳	۱۳	۳۱	۱۲/۸	حجاریان و همکاران (۱۴۰۳)، طولابی‌نژاد و همکاران (۱۴۰۱)،
۶	آموزشی و مهارتی	۳	۷	۲۸	۱۱/۶	سلطانی و همکاران (۱۴۰۳)، نرمایشیری و Obi et al. (2017) جلیلیان (۱۴۰۲)،
۷	مکانی و جغرافیایی	۲	۶	۲۶	۱۰/۸	سلطانی و همکاران (۱۴۰۳)، احمدپور و همکاران (۱۴۰۰)،
۸	خانوادگی	۲	۷	۱۹	۷/۹	Movahedi and Yaghouni (2012)
جمع	۸	۲۳	۷۴	۲۴۱	۱۰۰	



شکل ۲: موانع نهایی راه‌اندازی کسب‌وکارهای خرد زنان روستایی

بحث، نتیجه‌گیری و پیشنهادها

بر اساس یافته‌های تحقیق حاضر، موانع اصلی راه‌اندازی کسب‌وکارهای خرد زنان روستایی در استان کرمانشاه در ۸ دسته تقسیم شدند که عبارتند از: موانع دولتی و نهادی، موانع سیاست‌گذاری و قانونی، موانع فرهنگی و اجتماعی، موانع مالی و اقتصادی، موانع مکانی و جغرافیایی، موانع خانوادگی، موانع فردی، موانع آموزشی و مهارتی.

در جمع‌بندی آنچه که در این مقاله به آن پرداخته شد، سه مانع در بین موانع استخراج شده از دیدگاه پاسخگویان مهم‌تر و مورد تاکید بیشتر هستند، که در برنامه‌ریزی‌های آتی استان نیاز به بررسی و توجه بیشتر دارند. این موانع عبارتند از:

۱. موانع فرهنگی و اجتماعی: مسائل اجتماعی، بخشی جدانشدنی از موانع پیش‌روی زنان روستایی در مسیر توانمندسازی آنان است. نتایج این پژوهش نشان داد که موانع فرهنگی و اجتماعی اصلی‌ترین چالش‌هایی هستند که زنان روستایی استان کرمانشاه در مسیر راه‌اندازی و توسعه کسب‌وکارهای کوچک با آن مواجه‌اند. این موانع ریشه در باورها، سنت‌ها، نگرش‌های جنسیتی و ساختارهای اجتماعی دارند و اغلب باعث محدود شدن نقش زنان به وظایف خانگی و دور ماندن آنان از فعالیت‌های اقتصادی می‌شوند. در بسیاری از مناطق روستایی این استان، نگرش سنتی نسبت به جایگاه زن هنوز غالب است؛ به گونه‌ای که اشتغال زن در خارج از خانه یا مدیریت یک کسب‌وکار ممکن است با مخالفت خانواده، همسر یا جامعه محلی مواجه شود. این نگاه سنتی، اعتماد به نفس زنان را تضعیف کرده و باعث می‌شود آن‌ها حتی در صورت داشتن مهارت یا علاقه، از ورود به عرصه کارآفرینی خودداری کنند. در برخی موارد، زنان برای حضور در بازار یا

مشارکت در برنامه‌های آموزشی و نمایشگاهی با محدودیت‌هایی مواجه‌اند که ریشه در فرهنگ محلی و باورهای نادرست دارد. نکته مهم دیگر، نقش پایین زنان در تصمیم‌گیری‌های خانوادگی و اجتماعی است. در بسیاری از خانواده‌ها، تصمیم‌گیری به‌طور کامل در اختیار مردان است و زنان حتی برای شروع یک کسب‌وکار کوچک، نیازمند اجازه یا حمایت همسر یا پدر خود هستند. در مجموع، غلبه بر این موانع نیازمند تحول فرهنگی تدریجی، آموزش‌های آگاهی‌بخش، حضور فعال نهادهای حمایتی و فرهنگی، و ترویج الگوهای موفق زن در سطح محلی است. یافته‌های تحقیقاتی پیشین (کرمیان و سقائیان، ۱۴۰۲؛ روانبخش و امینی، ۱۳۹۷؛ طولابی‌نژاد و همکاران، ۱۴۰۱؛ Movahedi and Yaghobi, 2012; Akehurst et al., 2012) نیز این موانع را مورد تاکید قرار داده‌اند.

۲. موانع مالی و اقتصادی: نتایج این تحقیق نشان داد دومین مانع مهم در مسیر راه‌اندازی کسب‌وکارهای کوچک توسط زنان روستایی استان کرمانشاه، مانع اقتصادی است. زنان روستایی این استان اگرچه از توانمندی‌ها، مهارت‌ها و انگیزه لازم برای مشارکت در فعالیت‌های اقتصادی برخوردارند، اما با چالش‌هایی چون کمبود سرمایه اولیه، عدم دسترسی به منابع مالی، نداشتن وثیقه برای دریافت وام، و همچنین ضعف در زیرساخت‌های اقتصادی مواجه هستند. یکی از اصلی‌ترین مشکلات، نداشتن سرمایه کافی برای شروع کسب‌وکار است. اغلب زنان روستایی از درآمد پایدار برخوردار نیستند و منابع مالی خانوار به سختی کفاف هزینه‌های روزمره را می‌دهد. از سوی دیگر، بسیاری از طرح‌های حمایتی یا تسهیلات بانکی به دلایل پیچیدگی در فرآیند، نیاز به وثیقه‌های

سنگین، یا نبود اطلاع‌رسانی مؤثر، در دسترس این قشر قرار نمی‌گیرد. این زنان به علت فقدان مالکیت دارایی‌های ارزشمند (مانند زمین یا خانه به نام خود)، از دسترسی به منابع مالی محروم می‌شوند. همچنین، نبود بازار مناسب برای عرضه محصولات تولیدی، ضعف در زنجیره تأمین، و مشکلات در حمل‌ونقل و بازاریابی، موجب شده است که زنان روستایی انگیزه‌ای برای ورود به فعالیت‌های اقتصادی نداشته باشند یا در صورت آغاز، نتوانند فعالیت خود را ادامه دهند. این نتایج با نتایج مطالعات پیشین (حجاریان و همکاران، ۱۴۰۳؛ قربانی پیرعلیده‌ی، ۱۳۹۹؛ McDonaget al., 2024; Movahedi and Yaghobi, 2012) همخوانی دارد.

برای رفع این مانع، لازم است سیاست‌گذاران با طراحی برنامه‌های حمایتی مؤثر، اعطای تسهیلات کم‌بهره، ارائه آموزش‌های مالی و کارآفرینی، و ایجاد بازارهای محلی و دیجیتال برای فروش محصولات، زمینه را برای رشد و توسعه کسب‌وکارهای کوچک زنان روستایی فراهم کنند.

۳. موانع سیاست‌گذاری و قانونی: یکی دیگر از موانع مهم و تأثیرگذار در مسیر راهاندازی و توسعه کسب‌وکارهای کوچک توسط زنان روستایی در استان کرمانشاه، که در این تحقیق مشخص شد، موانع سیاست‌گذاری و قانونی است. در بسیاری از موارد، زنان روستایی به دلیل ناآگاهی از حقوق خود، و پیچیدگی قوانین، قادر به فعالیت اقتصادی مستقل و پایدار نیستند. این موانع به شکل‌های مختلفی ظاهر می‌شوند؛ نخست، بسیاری از قوانین

و مقررات مرتبط با ثبت کسب‌وکار، اخذ مجوز، و برخورداری از تسهیلات حمایتی، پیچیده و زمان‌بر هستند. این فرآیندها برای زنان روستایی که اغلب از سواد حقوقی و دسترسی به مشاوره قانونی برخوردار نیستند، یک مانع جدی ایجاد می‌کند. همچنین، برخی از رویه‌ها و مقررات بانکی یا اداری نیازمند معرفی ضامن رسمی یا ارائه اسناد مالکیت هستند که عملاً فرصت دریافت تسهیلات را از بسیاری از زنان روستایی سلب می‌کند. از سوی دیگر، در برخی موارد، نبود قوانین حمایتی مشخص برای زنان کارآفرین در مناطق محروم و روستایی، همچنین ضعف نظارت بر اجرای قوانین حمایتی موجب می‌شود که آن‌ها در برابر مشکلاتی مانند سواستفاده‌های مالی، نابرابری در قراردادهای، یا عدم حمایت در مواقع بحران اقتصادی، آسیب‌پذیرتر باشند. نتایج مطالعات پیشین (قربانی پیرعلیده‌ی، ۱۳۹۹؛ ولایی و همکاران، ۱۳۹۷؛ Obi et al., 2017; Movahedi and Yaghobi, 2012) نیز این نتایج را تایید می‌کند.

بنابراین، برای رفع این مانع، لازم است نظام حقوقی و اجرایی کشور با بازنگری در قوانین، ساده‌سازی فرآیندهای اداری، افزایش آگاهی زنان از حقوق قانونی‌شان، و ایجاد ساختارهای مشاوره و حمایت حقوقی رایگان در مناطق روستایی، مسیر فعالیت اقتصادی زنان را هموار کند. با اصلاح و اجرای مؤثر قوانین حمایتی، می‌توان زمینه مشارکت عادلانه زنان روستایی در اقتصاد را فراهم کرد.

منابع

- احمدپور، ا.، شهرکی، م.، و حسین‌زاده، ف. (۱۴۰۰). تحلیلی بر تمایل زنان روستایی به توسعه کسب و کارهای کشاورزی محور در استان مازندران. مطالعات کارآفرینی و توسعه پایدار کشاورزی، ۸ (۲)، ۸۰-۶۳.
- احیایی، پ.، موسوی، س. ی.، سفیری، خ.، و عباس‌زاده، م. (۱۴۰۱). ترکیب جنسیتی در دسترسی به سرمایه اقتصادی- اجتماعی و عوامل مرتبط با آن (زنان و مردان متأهل ساکن در شهر تبریز). جامعه‌شناسی اقتصادی و توسعه، ۱۱ (ویژه نامه)، ۵۸-۲۹.
- ایزدی، ب. ا.، رضائی‌مقدم، ک. و اسداله‌پور، ع. (۱۳۹۵). سازه‌های موثر و موانع تحقق توسعه کارآفرینی در مشاغل خانگی بخش کشاورزی در مناطق روستایی شیراز. علوم ترویج و آموزش کشاورزی ایران، ۱۲ (۱)، ۳۹-۵.
- حجاریان، ا.، تقدیسی، ا.، برقی، ح. (۱۴۰۳). بررسی چالش‌ها و موانع مشاغل خانگی از دیدگاه خبرگان و صاحبان مشاغل (مطالعه موردی جوامع روستایی شهرستان‌های استان اصفهان). نشریه تحقیقات کاربردی علوم جغرافیایی، ۲۴ (۷۲)، ۲۵۱-۲۶۸.
- حسینی زرگری، ح.، نصیری، م.، و شهرابی، ب. (۱۴۰۳). محرکه‌های مؤثر بر تاب‌آوری اقتصادی کارآفرینی زنان روستایی: ارائه مدلی برای تعیین استراتژی‌ها. مطالعات کارآفرینی و توسعه پایدار کشاورزی، ۱۱ (۴)، ۱۲۵-۱۵۰.
- حکمت‌یار، ط.، و داودیان، ا. (۱۳۹۹). شناسایی موانع توسعه کارآفرینی زنان قالیباف روستایی (مورد مطالعه: دهستان جامرود، شهرستان تربت‌جام. جغرافیا و روابط انسانی، ۲ (۴)، ۴۱۳-۴۳۲.
- خسروی‌پور، ب.، آنی، ن.، آجیلی، ع.، و عبدشاهی، ع. (۱۳۹۹). عوامل مؤثر بر توسعه و موانع بازدارنده کارآفرینی زنان روستایی، نشریه زن و فرهنگ، ۴۴ (۱۱)، ۷۰-۶۱.
- دادورخانی، ف.، رضوانی، م. ر.، ایمنی قشلاق، س.، و بوذرجمهری، خ. (۱۳۹۰). تحلیل نقش گردشگری در توسعه ویژگی‌های کارآفرینانه و گرایش به کارآفرینی در بین جوانان روستایی (مطالعه موردی: روستای
- کندوان و اسکندران شهرستان اسکو). پژوهش‌های جغرافیای انسانی، ۴۳ (۷۸)، ۱۹۵-۱۶۹.
- روانبخش، ص.، و امینی‌سابق، ز. (۱۳۹۷). بررسی ابعاد و موانع فرهنگی اشتغال زنان روستایی، همایش بین‌المللی مدیریت، کارآفرینی و توسعه روستایی. تهران: وزارت علوم، تحقیقات و فناوری.
- <https://sid.ir/paper/898588/fa>
- سلطانی، ز.، گودرزی، م.، و وردی‌پور، م. (۱۴۰۳). تحلیل عوامل پیش‌برنده توسعه اشتغال زنان روستایی در شهرستان شوشتر. روستا و توسعه، ۲۷ (۳)، ۲۱۶-۱۹۳.
- شاهمرادی، م.، احسانی‌فر، ت.، فرحمند، ک.، رستمی، ف.، و صحرایی، م. (۱۳۹۷). واکاوی چالش‌های فراروی عملیاتی کردن ایده‌های کسب‌وکار از دیدگاه زنان روستایی (مورد: استان کرمانشاه). پژوهش‌های روستایی، ۹ (۴)، ۵۵۲-۵۶۳.
- طباطبایی‌عمید، ب. و شهرکی، م. ر. (۱۳۹۹). موانع فرآوری کسب و کارهای زنان روستایی: مطالعه‌ای در حوزه آبخیز تیل‌آباد استان گلستان. مطالعات کارآفرینی و توسعه پایدار کشاورزی، ۷ (۳)، ۳۴-۱۷.
- طولابی‌نژاد، م.، سپه‌وند، آ. و سهرابی، م. (۱۴۰۱). واکاوی چالش‌های مشارکت زنان روستایی شهرستان خرم‌آباد در فعالیت‌های کارآفرینی کشاورزی. مطالعات راهبردی زنان، ۲۵ (۹۷)، ۲۲۴-۱۹۹.
- عفری، م.، مهدی‌زاده، ح.، و شیر، ن. (۱۴۰۱). طراحی الگوی برای توسعه کارآفرینی اجتماعی در بین زنان روستایی: کاربرد نظریه داده‌بنیان. روستا و توسعه، ۲۵ (۳)، ۱۱۵-۱۳۸.
- علی‌بیگی، ا. ح.، و تقی‌بیگی، م. (۱۴۰۱). تأثیر قابلیت‌های کارآفرینی زنان روستایی بر توانمندسازی آنها: مورد مطالعه، استان کرمانشاه. مطالعات کارآفرینی و توسعه پایدار کشاورزی، ۹ (۴)، ۴۴-۱۹.
- فرجی، ف.، احسانی‌فر، ت.، نادری، ن.، و رضایی، ب. (۱۳۹۳). بررسی نقش کارآفرینی در توسعه اقتصادی، مطالعات کارآفرینی و توسعه پایدار کشاورزی، ۱ (۴)، ۹۱-۱۰۴.

- لک فر، ا.، محبوبی، م. ر.، و عبدالله زاده، غ. م. (۱۴۰۳). موانع کسب و کارهای پرورش دام مددجویان تحت پوشش کمیته امداد امام خمینی در شهرستان گنبد کاووس. مطالعات کارآفرینی و توسعه پایدار کشاورزی، ۱۱ (۳)، ۱۹-۴۲.
- محمدی، س.، صفیاری، ر.، و خسروی، ر. (۱۳۹۹). تحلیل موانع محیطی موثر بر گرایش روستاییان به کسب و کارهای خرد کارآفرینانه مطالعه موردی: شهرستان های مریوان و سروآباد کردستان. جغرافیا و توسعه، ۱۸ (۵۸)، ۱۵۴-۱۳۳.
- مرکز آمار ایران (۱۴۰۳). جایگاه استانهای ایران در آینه آمار، تهران: مرکز آمار ایران.
- نمایشی، ف.، و جلیلیان، س. (۱۴۰۲). شناسایی پیشران های مؤثر بر توسعه کسب و کارهای خانگی زنان روستایی (منطقه مورد مطالعه: شهرستان اسلام آباد غرب. روستا و توسعه، ۲۶ (۳)، ۲۴۳-۲۶۵.
- ولایی، م.، کریمزاده، ح. و کنافی آذر، ر. (۱۳۹۷). تحلیل موانع توسعه کسب و کارهای خرد در نواحی روستایی شهرستان میاندوآب. فصلنامه اقتصاد فضا و توسعه روستایی، ۷ (۳) (پیاپی ۲۵)، ۲۰۸ - ۱۸۳.
- یاسوری، م.، و نوروزی نژاد، م. (۱۴۰۰). فراتحلیل کیفی ابعاد توسعه کارآفرینی زنان روستایی. زن در توسعه و سیاست (پژوهش زنان)، ۱۹ (۱)، ۴۱-۲۱.
- Ajiva, O. A., Ejike, O. G., & Abbulimen, A. O. (2024). Empowering female entrepreneurs in the creative sector: Overcoming barriers and strategies for long-term success. *International Journal of Advanced Economics*, 6(08), 424-436
- Akehurst, G., Simarro, E., and Mas-Tur, A. (2012). Women entrepreneurship in small service firms: motivations, barriers and performance. *The Service Industries Journal*, 32(15), 2489-2505.
- Aliamutu, K. F., & Gurr, K.- lee. (2024). Assessment of professional perceptions in business evaluation in South Africa. *International Journal of Research in Business and Social Science* (2147-4478), 13(5), 228-237.
- Al-shami, S.S., Razali, R.M., and Rashid, N. (2018). The effect of microcredit on women empowerment in welfare and decisions making in Malaysia. *An International and Interdisciplinary Journal for Quality-of-Life Measurement*, 137(3), 1073-1090.
- Ghouse, S., McElwee, G., Meaton, J., Durrah, O. (2017). Barriers to rural women entrepreneurs in Oman. *International Journal of Entrepreneurial Behavior & Research*, 23 (6), 998-1016.
- International Labour Organization (ILO) (2020). *Note on the proceedings: Technical meeting on achieving decent work in global supply chains*. International Labour Organization.
- Jones, J. E. (2021). Strategies of women small business owners to overcome entrepreneurship barriers. Doctoral dissertation, Walden University.
- Karakire Guma, P. (2015). Business in the urban informal economy: barriers to

- women's entrepreneurship in Uganda. *Journal of African Business*, 16(3), 305–321.
- Kumar, V. (2019). Entrepreneurs Skill-Digital View. *Asian Journal of Multidimensional Research (AJMR)*, 8(2), 38-46.
- Loscocco, K. A., and Robinson, J. (1991). Barriers to Women's Small-Business Success in the United States. *Gender & Society*, 5(4), 511-532.
- McDonagh, M., Ryan, T., Moran, A., & Ryan, L. (2023). *A Qualitative Investigation into Perceived Barriers Experienced by European Female Agri-Food Entrepreneurs Situated in Rural Regions for Sustaining the Food Sector*. *Proceedings*, 91(1), 322.
- Mishra, S., Mishra, A., Singh, S. P., and Upadhyay, B. (2024). Investigating the impact of Financial Barriers, Regulatory Landscape and Societal Backing on Women-Led Enterprises in India: An Empirical Investigation Using PLS-SEM. *European Economic Letters (EEL)*, 14(1s), 236–244.
- Mobarok, M. H., Skevas, T., & Thompson, W. (2021). Women's empowerment in agriculture and productivity change: The case of Bangladesh rice farms. *PLoS ONE*, 16(8), e0255589.
- Moral, I.H., Rahman, M.M., Rahman, M.S., Chowdhury, M.S. and Rahaman, M.S. (2024). Breaking barriers and empowering marginal women entrepreneurs in Bangladesh for sustainable economic growth: a narrative inquiry. *Social Enterprise Journal*, 20 (4), 585-610.
- Movahedi, R., and Yaghoubi Farani, A. (2012). Analysis of the barriers and limitations for the development of rural women's entrepreneurship. *International Journal of Entrepreneurship and Small Business*, 15(4), 469-487.
- Muller, P., Devnani, S., Julius, J., Gagliardi, D., Marzocchi, C. and Hope, K. (Ed.). (2016). Annual Report on European SMEs: SME recovery continues. SME Performance Review, Report by a consultant consortium for the European Commission, Directorate-General for Internal Market, Industry, Entrepreneurship and SMEs; Directorate. https://www.researchgate.net/publication/311365578_ANNUAL_REPORT_ON_EUROPEAN_SMEs_20152016_SME_recovery_continues
- Nieva, F. O. (2015). Social women entrepreneurship in the Kingdom of Saudi Arabia. *Journal of global entrepreneurship research*, 5(11), 1-33.
- Obi, A. V., Okechukwu, E. U., and Egbo, D. E. (2017). Overcoming Socio-Cultural Barriers on Economic Empowerment of Rural Women Through Entrepreneurship in Agriculture in South East State, Nigeria. *International Journal of Academic Research in Economics and Management Sciences*, 6(4): 199–224.
- Rezaei-Moghaddam, K., Karami, O., & Fatemi, M. (2019). The comparative analysis of marketing activities among rural women entrepreneurs in Fars province, Iran. *Journal of Global Entrepreneurship Research*, 9(965), 2-20.
- Semkunde, M.A., Elly, T., Charles, G., Gaddefors, J. and Chiwona-Karlton, L. (2022). "Rural entrepreneurship and the context: navigating contextual barriers through women's groups", *International Journal of Gender and Entrepreneurship*, 14 (2), 213-234.
- Singh, R.K., Koul, S., and Kumar, P. (2017). Analyzing the interaction of factors for flexibility in supply chain. *Journal of Modelling in Management*, 12 (4), 671-689
- Wilkinson, D., and Birmingham, P. (2003). *Using Research Instruments: A Guide for Researchers*. Taylor & Francis.
- World Bank Group (2023). *Labor force, female (% of total labor force)*, Available on: <https://data.worldbank.org/indicator/SL.TLF.TOTL.FE.ZS>.